



## گزارشی از نسخه خطی کتاب شفاعت و توسل، اثر کاظم مرادخانی

علی مقدس\*

### مقدمه

یکی از باورهای اساسی شیعه و اهل سنت اصیل، شفاعت و توسل است. در طول تاریخ، شفاعت و توسل از سوی ظاهرگرایان و اندیشه‌های سلفی مورد خدشه قرار گرفته و هر بار نیز شبهات قدیمی تاریخ مصرف گذشته را عَلم کرده تا ذهن معتقدین را نسبت به باورهای دینی خود، مشوش کنند. عالمان فرهیخته در هر عصری پاسبانان باورهای ناب اسلامی هستند و در برابر شبهات، تألیفات بسیاری را به نگارش درآورده‌اند. یکی از آن عالمان نستوه، استاد کاظم مرادخانی است. وی در کتاب شفاعت و توسل، آراء ضد استشفاع را با تقریر درست اشکالات و اکاوی نموده و توانسته، هجمه‌های ظاهرگرایان و منکرین مباحث مزبور در دهه پنجاه و شصت شمسی را خنثی سازد.

### نویسنده کتاب

کاظم مرادخانی در سال ۱۳۲۳ ش، در خانواده‌ای دینی در تهران چشم به جهان گشود. وی پس از سپری کردن ایام کودکی، وارد مدارس دینی شد و عزم خود را در مطالعه‌ی آثار دینی جزم نمود. او دارای استعداد و حافظه‌ای قوی بود که بیشتر اوقات خود را صرف قرآن و حدیث و کتبی مانند، کافی کلینی، توحید صدوق و بحارالانوار مجلسی نمود. هنوز

---

\* کارشناس ارشد نقد سلفیت و وهابیت.

از حیات علمی مرادخانی چهل و یک بهار نگذشته بود که دچار بیماری شد و نهایتاً در سال ۱۳۶۴ ش، دار فانی را وداع گفت. اثرِ گران‌سنگِ شفاعت و توسلِ او که دارای ۱۲۳۶ صفحه می‌باشد، در نوزده جلد و به صورت دست‌نویس (با خط نستعلیق تحریری)، در سال ۶۲ ش، به رشته تحریر درآمد. اثر مذکور در کتاب‌خانه‌ی نُسخ خطی آستان قدس رضوی، توسط گزارشگر رؤیت گردید که در اردیبهشت سال ۱۳۶۷ ش، توسط مهندس عصار، وقفِ مجموعه‌ی نُسخ خطی آستان قدس رضوی گردیده و تاکنون این اثر ارزشمند به چاپ نرسیده است. این اثر نفیس که در واقع در پاسخ به ۱۲ شبهه‌ی اصلی شفاعت و توسل نگاشته شده، به مباحثی مانند حیات برزخی، سماع موتی، تبرک، نذر، ذبح، زیارت قبور، عزاداری و... پرداخته است.

مرحوم مرادخانی بیش از ۲۵ اثر فاخر از خود به یادگار گذاشته که از جمله‌ی آن عبارت‌اند از:

۱. بحث حول الوهابیة؛
۲. المعجم المفهرس لالفاظ ابواب بحار؛
۳. بحار الانوار فی تفسیر المأثور للقرآن؛
۴. معجم الفاظ التوحید للصدوق؛
۵. معجم الفاظ الکافی (کتاب التوحید) للکلینی؛
۶. الامامة؛
۷. شفاعت و توسل؛

### سبب نگارش کتاب

نویسنده در علل نگارش این کتاب می‌نویسد: اخیراً در سطح بعضی عوام جامعه، اشکالاتی اعتقادی از ناحیه‌ی مخالفین مطرح شده است. این اشکالات تحت عنوان ابطال شفاعت و توسل و تأویل و توجیه آن، شروع به انکار مسائل اساسی‌تر اعتقادی در امامت و پاره‌ای ضروریات بالاتر از آن می‌کنند. بدیهی است که جامعه‌ی اصیل تشیع با

سعه‌ی منطق و قدرت در کسب و نشر حقایق روحانی و کثرت اشتغال به درگیری‌های فرقی مختلفه اسلامی، همراه مبانی قطعی که در کتب و صحف کنونی در دست دارد، پیکره‌ی عظیم علمی و استدلالی خود را قرن‌ها در کوران حوادث گوناگون و طاقت‌فرسا ثابت و استوار نگاه داشته است. ضروری نیست هر روز و هر ساعت برای هر سروصدای تازه‌ی اعتقادی که از دور و نزدیک به طرف او حمله‌ور می‌شود، اوقات شریفه‌ی خود را صرف نموده و به‌جای تعلیم و تربیت عمومی اجتماعی‌اش که نگهبان جوانب و اطراف مرزهای عقیدتی شیعه است، پیوسته، پاسخ‌گوی هر سروصدایی باشد؛ همان‌طور که از صدر غیبت حضرت بقیة‌الله‌الاعظم علیه‌السلام تاکنون، قرنی نبوده که در آن فتنه و آزمایشی الهی برای جماعت اسلامی پیش نیاید و جامعه‌ی اسلام هدف آن بلا نباشد؛ اما با نظر به کتاب‌های طرفین، بحمدالله قرنی بر پیکره‌ی ما نگذشته که در قبال شبهات اهل ضلال و اهل فتنه، متقابلاً، کتب و صحائفی تحریر نیافته باشد؛ بلکه قرن به قرن کتاب‌هایی از طرف مخالفین تدوین شده و آرامش و ثبات معنوی درونی را به هم ریخته است؛ اما از این طرف هم پیوسته، پاسخ‌ها و قواعد و رسائل و کتب، تدوین و اظهار شده است؛ به‌طوری‌که اکنون از آن فتنه‌ها، فقط اسمی در تاریخ باقی مانده و از خودشان خبری نیست.

اکنون در این فرصت اندک، مطلب را مختصر نموده و جهت مبتدیانی که مسائلی مانند شفاعت، توسل، عبادت، خواندن موتی و عبادت مشرکین، سوالاتی مطرح کرده‌اند، مطالبی به‌طور اختصار بیان می‌گردد؛ البته تحقیق بیشتر و قضاوت در مسائل مذکور را به محققین منصف می‌سپاریم.

## جلد اول تا پنجم

نویسنده در پنج جلد ابتدایی کتاب که مجموعاً ۴۰۰ صفحه است، به اولین اشکال مخالفین شفاعت (استشفاع لازم‌اش خواستن از غیر خدا و خواندن غیر خدا است و خواندن غیر خدا، شرک در عبادت است)، پرداخته است.

وی در این ۵ جلد به مباحثی مانند مفهوم‌شناسی مفاهیم اساسی (شفاعت)، خواندن

و اقسام آن (خواندن خدا غیر خدا را، خواندن رسول غیر خدا را، خواندن عمومی، خواندنی که عبادت است)، معنی عبادت (اطاعت به معنی عبادت نیست، تسلیم ربوبیت خدا شدن، رب گرفتن لازمه عبادت، خالق گرفتن لازمه عبادت)، معنی عبد (عبد به معنی برده، عبد به معنی خادم، عبد به معنای انکار کننده، عبد به معنی آفریده شده)، معنی اله، خالق و بحث در رابطه با آیه شریفه «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»، پرداخته است.

وی از آنجا که ظاهرگرایان و اندیشه‌های سلفی و وهابی، افعال و باورهای مسلمین را با مشرکین قیاس کرده و مسلمانان را متهم به شرک می‌کنند، عقاید مشرکین را به دقت مورد بررسی قرار داده و تفاوت جدی باورهای مشرکین با مسلمانان را با استفاده از قرآن-کریم روشن نموده است. مباحثی که او در این رابطه به قلم آورده عبارت‌اند از:

۱. شرک در اسماء الله؛

۲. شرک در قدرت؛

۳. شرک در ربوبیت؛

۴. شرک در رازقیت؛

۵. شرک در خالقیت؛

۶. عبادت غیر خدا؛

۷. ذکر نام غیر خدا بر ذبایح؛

۸. اقرار لسانی مشرکین به عبادت غیر خدا؛

۹. اقرار مشرکین به اله بودن غیر خدا و... ابطال دیدگاه سلفیت و وهابیت را به اثبات رسانده است؛ از سوی دیگر، با توجه به اینکه منکرین شفاعت، آیاتی از قرآن کریم را مستمسک قرار داده تا بر اتهام شرک مسلمین اصرار بورزند، نویسنده آیاتی مانند «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» و «وَلَسِنِ سَأَلْتَهُمْ» در سوره‌های عنکبوت، زخرف و لقمان را که از سوی ظاهرگرایان بیان شده، مورد کنکاش قرار داده و مسائلی مانند بی‌ایمانی مشرکین به خالقیت و قدرت خدا، کفر مشرکین به خدا، انکار معاد توسط

مشرکین، انداد قرار دادن برای خدا، عداوت مشرکین با خدا، افترا بستن مشرکین به خدا و... را مورد واکاوی قرار داده است.

از آنجا که بهترین منبع معتبر در تفهیم آموزه‌های دین، قرآن کریم است، مبنای استنادی نگارنده در تمامی استدلال‌ات و مستندات، مصحف شریف بوده است.

### جلد ششم و هفتم

نگارنده در جلد ششم و هفتم کتاب (از صفحه ۴۰۱ تا ۵۴۲ که مجموعاً ۱۴۱ صفحه است)، به اشکال دوم مخالفین شفاعت و توسل مبنی بر «استشفاع، لازمه‌اش توسل است و توسل هم شرک در عبادت است»، پرداخته است.

وی در این دو جلد به آیه ۶ سوره فصلت «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ» که از سوی منکرین توسل و شفاعت، جهت تقویت اشکال دوم به کار گرفته شده، تمسک کرده و الفاظ مهم آیه را کارشناسانه مورد دقت و بررسی قرار داده است.

معترضین به توسل و شفاعت با استناد به آیه مزبور، مدعی‌اند که از عبارت «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ» فهمیده می‌شود: باید مستقیماً و بدون واسطه سوی خدا رفت و غیر او را وسیله قرار نداد.

مباحثی که مؤلف در پاسخ به استدلال مخالفین، مورد اِمعان قرار داده به قرار ذیل است:

۱. معنی فَاسْتَقِيمُوا؛

۲. موارد کاربردی کلمه مستقیم در قرآن، مانند "صراط المستقیم" که معنای بسیاری دارد؛ برای مثال، صراط مستقیم به معنی راه حق و درست؛ صراط مستقیم یعنی، راه هدایت و خلاف گمراهی؛ صراط مستقیم یعنی، راه علم و دانش الهی؛ صراط مستقیم یعنی، راهی که شک و خطا در آن نیست؛ صراط مستقیم یعنی، راه بدون اختلاف و بدون تفرقه؛ صراط مستقیم یعنی، راه معتدل و حد وسط؛ صراط مستقیم یعنی، راه عبادت خدا؛

صراط مستقیم یعنی، راه عدالت خلاف ظلم؛ صراط مستقیم یعنی، راه نجات و بهشت؛ در نهایت صراط مستقیم به معنی پایداری نیز می‌باشد.

۳. معنی استقامت، پایداری و مقاومت کردن و...

وی در پاسخ به مخالفین و منکرین توسل و شفاعت، در مشروعیت وسیله قرار دادن انبیا، اولیا، اوصیا و مقرّبین، به آیاتی مانند «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ»<sup>۱</sup> و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»<sup>۲</sup> استناد نموده و مباحثی ذیل آن مطرح کرده که عبارت‌اند از:

۱. وسیله گرفتن به‌طور عام مانند، وسیله شدن پیامبرانی چون حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت شعیب عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و بسیاری از پیامبران دیگر. وسیله شدن مؤمنین از قسیسین؛ وسیله شدن قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَام؛ وسیله شدن سحره‌ی مؤمن شده‌ی فرعون؛ وسیله شدن حواریون حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام؛ وسیله شدن صحابه کُهِف؛ وسیله شدن مؤمنین.

۲. وسیله شدن نزد خدا برای دیگری به‌طور خاص را، چاشنی و مقوم ردیه خود به‌کار گرفته است.

مؤلف در پاسخ به اشکال معترضین توسل که مدعی‌اند خداوند در آیه ۳ سوره زمر «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ»، کسانی که جز او را اولیای خود گرفتند (یعنی مشرکین)، علت وسیله قرار دادن بت‌ها را نزدیک شدن به خدا ذکر می‌کردند، می‌گوید: اولاً، مشرکین وسیله را عبادت می‌کرده و می‌گفتند: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا...»؛ ثانیاً، مشرکین وسیله‌ها را (سنگ، بت...) خودشان برگزیده و اهمیت می‌دادند؛ ثالثاً، آنها در این کار از خداوند اذن و اجازه نگرفته بودند؛ یعنی خداوند وسیله را تعیین نفرموده بود؛ بلکه خودشان تعیین کرده بودند؛ رابعاً، عقیده مشرکین با عقیده مسلمین قابل مقایسه نیست؛ زیرا مشرکین میل قلبی به خدا و نزدیک

۱. سورا اسراء، آیه ۵۷.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

شدن به خدا نداشتند.

## جلد هشتم

جلد هشتم کتاب در حدود ۵۰ صفحه فشرده (به صورت خطی)، در بردارنده‌ی چهار شبهه از سلسله شبهات منکرین توسل و شفاعت است. نگارنده، اشکال سوم، چهارم، پنجم و ششم را مطرح کرده و هر یک را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده است.

وی ابتدا اشکال سوم (لازمه شفاعت، کمتر بودن رحمت خدا از رحمت شفیع است) را تقریر نموده و می‌نویسد: منکرین مدعی‌اند که شفاعت به معنای ارحم بودن شفیع از خداوند است و این باور با ارحم‌الراحمین بودن خداوند سنخیت ندارد.

وی در پاسخ به اشکال مذکور می‌گوید: اگر خداوند به خاطر درخواست شفیع، به شخص دیگری که از نظر مرتبه و درجه از او ادنی است، تفضلی و رحمتی بکند، دلیل بر این نیست که رحمت شخص واسطه بیشتر از رحمت خدا است؛ بلکه دلیل بر این است که رحمت خدا بر شخص واسطه، بیشتر از شخص دوم است که خدا به خاطر آن واسطه، به این شخص دوم تفضل فرموده و دلیل بر این است که خدا عنایتش به بندگان مطیع‌تر، عابدتر و مقرب‌تر، بیشتر از عنایتش به اشخاص است که ادنی از مرتبه آنان هستند که سبب شده دعای واسطه‌ها را درباره آن افراد اجابت کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ یعنی وقتی گناه کاران به خود ستم کردند، اگر نزد تو (پیامبر ﷺ) می‌آمدند و طلب مغفرت از خدا می‌کردند و رسول برای ایشان از خداوند طلب مغفرت می‌کرد، هر آینه خداوند را رحیم و بازگشت‌کننده می‌یافتند؛ حال آیا آمدن نزد رسول ﷺ به معنای این است که رحمت رسول ﷺ از خداوند بیشتر است؛ یا اینکه آیه نشان دهنده این است که رحمت خدا نسبت به رسول ﷺ بیشتر از دیگر افراد است؟!!

وی اشکال چهارم منکرین (شفاعت باعث تشویق مردم به گناه است) را بیان کرده و

ادامه می‌دهد: مخالفین شفاعت می‌گویند: خداوند در قرآن کریم فرموده: ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ برای انسان نیست مگر آنچه را که کوشش کند؛ در این صورت، دیگری بار گناه ما را به دوش نخواهد گرفت و این معنی ندارد که به مردم بگوییم هر اندازه که خواستند گناه کنند؛ چراکه بالاخره شفاعت کار خودش را می‌کند! در این صورت، شفاعت باعث تشویق مردم به گناه می‌شود.

او در پاسخ به اشکال چهارم می‌نویسد: نسبت توسل به گناهان و تشویق به گناه، عیناً مثل مسئله توبه، نسبت به گناهان و تشویق آنها است؛ مثل اینکه کسی به شما بگوید، شما مسلمان‌ها این همه احکام غلاظ و شداد برای معصیت خدا وضع کرده، حدود دنیوی و عقاب‌های سخت اخروی برای معصیت‌ها بیان می‌کنید، اما به موازنه این تهدیدها و وعیدها می‌گویید: اگر کسی قبل از فرا رسیدن مرگ توبه کند، همه گناهانش که بین او و خدا است بخشیده می‌شود.

وی با استفاده از آیات قرآن کریم، ادعای معترضین را کاملاً به چالش کشیده و نقد کرده و معتقد است، شفاعت را که دارای شرایط است، هرگز نمی‌توان مشوقی برای گناه تصور کرد.

نگارنده کتاب در جلد هشتم، اشکال پنجم (شفاعت تأثیر در خدا، تبعیض و استثناء است) را طرح نموده و ادامه می‌دهد که مخالفین شفاعت و توسل بر این باور هستند که شفاعت، تأثیر در خدا، تبعیض و استثناء را به همراه خواهد داشت.

او در جواب به مخالفین می‌نویسد: علت طرح این اشکال آن است که مخالفین، فرق خدا را با فعل خدا نمی‌دانند؛ فرق ذات را با اراده که فعل او می‌باشد، نمی‌دانند و بیهوده مسلمانان را مشرک می‌خوانند. خداوند هر روز در شأنی است و در هر شأن اراده‌ای دارد که غیر از اراده قبلی‌اش است؛ حال می‌توان گفت که خدا متغیر شده است؟ خدا در یک مقام در شأن غضب و سخط و عقاب است و در یک مقام دیگر در شأن رضا، رحمت و تفضل است و در هر شأن، اراده‌ای غیر از شأن دیگر دارد که در نتیجه، تغییر در اراده به معنای تغییر در ذات نیست.



وی در تقریر بخش دوم شبهه، منوط به استثناء و تبعیض بودن شفاعت اضافه می‌کند: باز شدن باب رحمت و فضل خدا به روی مؤمنین و جواز توسل و استنصار از مقربان خدا و باز بودن باب مغفرت خدا برای مؤمنین در دنیا و آخرت، استثنایی نیست که خدا در حقوق مردم قائل شده باشد و حق کسی را ضایع کرده باشد.

نویسنده در جلد هشتم کتاب به اشکال دیگری (پرهیز از کبائر، انسان را به بهشت رهنمون می‌سازد، دیگر چه نیازی به شفاعت و توسل؟)، پرداخته است.

وی در پاسخ به اشکال مزبور، پس از استناد به آیات و دلایل عقلی و نقلی متعدد، به این نتیجه می‌رسد که مسئله توسل منحصر به بخشیده شدن کبائر نیست که اگر گناه نکرد، از توسل بی‌نیاز باشد؛ بلکه انبیا و اولیا هم، از توسل بی‌نیاز نیستند؛ با اینکه خوف از خدا ایشان را از گناه باز می‌دارد؛ از این رو، توسل نه تنها مورد نیاز اهل معصیت و تائبین است، بلکه تمام اولین و آخرین و تمامی انبیای گذشته، به شفاعت پیامبر آخرالزمان نیازمند هستند.

## جلد نهم و دهم

راقم کتاب در جلد نهم و دهم، به اشکال هفتم (شفاعت و توسل باید در حضور انبیا باشد. اگر دسترسی به ایشان نباشد، توسل ممتنع است؛ زیرا آنان علم غیب ندارند)، پرداخته است.

وی ابتدا به مفهوم غیب و سپس مراد از غیب را مورد فحص قرار داده و پس از آن، به رابطه‌ی علم با غیب پرداخته است؛ پس از آن، به علم حقیقی یا عرضی و دایره و مقدار آن اشاره نموده است؛ در نهایت، بحث علم غیب را به صورت کارشناسانه در یک صد صفحه مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده با استفاده از آیات متعدد قرآن کریم و استدلال‌های عقلی و نقلی، علم غیب را برای انبیا به اثبات می‌رساند.

## جلد یازدهم

محرر در جلد یازدهم کتاب، اشکال هشتم را (اگر شفاعت و توسل ثابت شود برای دنیا و قیامت است؛ زیرا در برزخ پس از مرگ، روح حیات ندارد و مضمحل می‌شود)، مورد تدقیق قرار داده است. وی در مجموع ۶۰ صفحه که اختصاص به شبهه هشتم دارد، ابتدا حیات برزخی را به اثبات رسانده و دلایلی که حکایت از حیات داشتن ارواح پس از قبض از بدن است را، ارائه نموده است. وی حتی به احوالات روح پس از مرگ اشاره نموده و به نوعی، ثواب و عقاب برزخی را که آیات قرآن به آن اشاره داشته، مورد استناد قرار داده است.

## جلد دوازدهم تا هفدهم

نویسنده در جلد دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم و هفدهم، به اشکالات نهم و دهم پرداخته است. اشکال نهم مبنی بر «عدم سماع موتی» و اشکال دهم نیز «ارواح در عالم دیگرند و قادر به دریافت اخبار و احوال ما نیستند» می‌باشد. مخالفین شفاعت و توسل مدعی‌اند که مردگان در برزخ، صدای زندگان را نمی‌شنوند؛ از این رو آیه شریفه را مستمسک قرار داده که خداوند می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى»؛<sup>۱</sup> یعنی همانا تو نمی‌توانی به مردگان بشنوانی؛ پس چون مردگان نمی‌شنوند ما نیز نمی‌توانیم حرف‌های خود را به گوش مردگان برسانیم.

وی در پاسخ به اشکال مخالفین می‌نویسد: اولاً، با تبیین دقیق معنایی تَسْمِعُ و مَوْتَى که حکایت از اِسْمَاعِ موتی دارد، کاملاً به معنای مجازی خودش به کار رفته؛ نه به معنای حقیقی آن؛ در نتیجه باید دقت لازم انجام گیرد؛ ثانیاً، تشبیه با مجاز تفاوتش از زمین تا آسمان است؛ بین دو مطلب برای اثبات اینکه تشبیه واقع شده است، باید ادوات تشبیه مانند (كَ- كَمِثْلٍ- كَمَثَلٍ) و امثال آن به کار رود. وی در شش جلد مذکور، با استفاده از آیات متعدد، عدم شنیدن مردگان را رد کرده و اثبات نموده که مردگان قادر هستند، سخن

۱. سوره نمل، آیه ۸۰.

زندگان را بشنوند.

### جلد هجدهم

در جلد هجدهم، نویسنده به اشکال یازدهم یعنی «شعائر، تبرک، نذر و ذبح» پرداخته است. وی در حدود ۸۵ صفحه به صورت فشرده، یکی دیگر از شبهات طرح شده از سوی مخالفین را ذکر کرده و می‌نویسد: مخالفین می‌گویند که مشرکین قدیم، سنگ و چوب، آب و آتش و سایر عناصر را احترام می‌کردند؛ امروزه نیز عمل برخی مسلمین به وسیله تبرک، نذر، شفاعت، توسل و... در واقع همان عمل مشرکین بت پرست است؛ در نتیجه همان طور که جان و مال مشرکین مباح است، جان و مال مسلمانانی که اقدام به تبرک، نذر، شفاعت، توسل و زیارت قبور می‌کنند نیز مباح است.

وی اشکال مزبور را به چالش کشیده و ابتدا شعائر و تعظیم شعائر در اسلام را به محل بحث گذاشته و موارد تبرک، زیارت قبور، توسل و شفاعت و... را، از مصادیق تعظیم شعائر برشمرده و با استناد به آیات و ادله‌ی گوناگون، این مسئله را ثابت کرده است. ایشان ادامه می‌دهد، معنی احترام به روح برگزیدگان و احترام به جسم برگزیدگان این نیست که آنها را العیاذبالله خدا بشمریم؛ یا در اوصافی با خدا شریک بدانیم؛ بلکه اگر به روح آنها احترام بگذاریم، در زمان حیات دنیوی‌شان و یا پس از مرگشان، باید به تمام توانایی در نشر افکار و عقاید و خواسته‌ها و اوامر آنها کوشش کنیم.

### جلد نوزدهم

نویسنده، آخرین جلد کتاب را به اشکال دوازدهم یعنی «عزاداری و زیارت قبور» اختصاص داده است. شبیه مذکور در ۹۰ صفحه مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. وی می‌نویسد: مخالفین بر این باورند که باید مردمان را جنگ‌جو و مقاوم و سلحشور تربیت کرد و گریستن و عزاداری نشانه زبونی و ضعف است؛ همچنین به زیارت قبور رفتن چه فایده‌ای دارد. آنها که در قبرستان نیستند و با ما کاری ندارند؛ حال که آنها مشغول شئون خودشان هستند، زیارت ایشان در قبرستان چه معنی دارد؟

وی در جواب مخالفین اشاره دارد که مهم‌ترین اصلی که سبب می‌شود، انسان در غم و شادی یک انسان دیگر، خود را سهیم و شریک کند، مسئله دوستی و محبت است. یادآوری حالات غم‌انگیز آن برگزیدگان و اولیای دوست‌داشتنی خدا، انسان مرتبط و متقی را به غم و اندوه عمیق فرو می‌برد و روزهای شادی و خرسندی آنان، روح انسان را به خرسندی و شادمانی می‌کشاند؛ در واقع اصل و ریشه عزاداری و به پا کردن مجامع تذکر، برای تذکره مصائب و غم‌های بزرگان و رهبران دین و شهدای پاک‌دامن راه خدا، همین است.

نویسنده با استفاده از آیات و ادله متعدد به مشروعیت عزاداری، گریستن در فراق عباد صالح خدا، حقیقت و عدم بطلان زیارت قبور را به اثبات می‌رساند.

### امتیازات کتاب

آنچه این کتاب را نسبت به دیگر کتب از امتیاز کافی بهره‌مند ساخته، به‌روز بودن مباحث آن و شیوه پاسخ‌گویی به اشکالات طرح‌شده از سوی ظاهرگرایان سلفی و وهابی است. نویسنده‌ی کتاب، درصدد آن است تا تمامی شبهات وارده را با استفاده از قرآن کریم پاسخ گوید و با تکیه به آیات، ابطال اندیشه‌های ظاهرگرایانه را به اثبات رساند. گزارشگر کتاب بر این باور است که خصوصیات و امتیازهای کتاب مذکور به‌قرار ذیل است:

۱. مبنا قرار دادن قرآن کریم در پاسخ‌گویی به شبهات؛
۲. تقریر دقیق محل نزاع و تبیین استدلال مخالفین؛
۳. کاربردی بودن کتاب در مواجهه با شبهات سلفیت و وهابیت؛
۴. رعایت سیر منطقی مباحث در مقام بررسی؛
۵. استفاده از استدلال‌های عقلی در کنار تأییدات قرآنی؛
۶. آشنایی کامل نویسنده نسبت به مبانی توحید و شرک سلفیت و وهابیت؛
۷. رعایت انصاف در پاسخ‌گویی و به دور از هرگونه طرح مسائل اختلافی بین مذاهب.